

## تأثیر آموزش به شیوه قصه‌گویی بر ارتقای هوش کلامی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی

محمد تقی زاده<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بجنورد، ایران

m.taghizadeh@esfarayen.ac.ir

### چکیده

قصه‌گویی یکی از بنیادی‌ترین روش‌های انتقال معنا و مفاهیم در فرآیند تعلیم و تربیت است. قصه به دلیل برخورداری از ساختار روایی، در مقایسه با انتقال مستقیم اطلاعات، اثرگذاری عمیق‌تری بر ذهن کودکان دارد. در نظام آموزشی، قصه‌گویی به‌عنوان ابزاری برای تقویت مهارت‌های زبانی، بیان، حافظه و هوش کلامی شناخته می‌شود. هدف اصلی این پژوهش، تعیین تأثیر آموزش به شیوه قصه‌گویی بر ارتقای هوش کلامی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی است. با توجه به اهمیت سال‌های نخست تحصیل در شکل‌گیری مهارت‌های زبانی و شناختی، بررسی روش‌های نوین و جذاب آموزشی مانند قصه‌گویی از ضرورت بالایی برخوردار است. روش‌شناسی: این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان پسر پایه اول ابتدایی شهر بجنورد در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بود. نمونه پژوهش شامل ۴۰ دانش‌آموز بود که به روش تصادفی ساده انتخاب و در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، «مقیاس هوش کلامی وکسلر (۱۹۶۷)» بود. گروه آزمایش به مدت یک نیمسال تحت آموزش با شیوه قصه‌گویی قرار گرفتند، در حالی که گروه کنترل آموزش‌های متعارف را دریافت کردند. داده‌های حاصل با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس (ANCOVA) و نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ تحلیل شدند. یافته‌ها: نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش به شیوه قصه‌گویی تأثیر معناداری بر ارتقای هوش کلامی و مؤلفه‌های آن شامل اطلاعات عمومی، محاسبات عددی، تشخیص تشابهات، درک مطلب و دامنه لغات در گروه آزمایش داشته است ( $P < 0.05$ ). میزان اثرگذاری این شیوه بر هوش کلامی کل، ۸۹۰/۰ گزارش شد. نتیجه‌گیری: قصه‌گویی به دلیل ساختار روایی جذاب و درگیرکننده، بستری مناسب برای تقویت توانمندی‌های زبانی و ذهنی کودکان فراهم می‌کند. بر این اساس، به‌کارگیری قصه‌گویی به‌عنوان یک راهبرد آموزشی در کلاس‌های درس مقطع ابتدایی برای توسعه هوش کلامی دانش‌آموزان توصیه می‌شود.

**واژه‌های کلیدی:** قصه‌گویی، هوش کلامی، دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی

**۱. مقدمه**

نظام‌های آموزشی کارآمد همواره در جستجوی راهکارهایی هستند که نه تنها انتقال دانش را تسهیل کنند، بلکه موجب ارتقای توانمندی‌های شناختی و زبانی دانش‌آموزان شوند. در این میان، دوره ابتدایی به‌ویژه پایه اول، حساس‌ترین مقطع برای شکل‌گیری مهارت‌های کلامی است. هوش کلامی به‌عنوان یکی از ستون‌های اصلی هوش انسانی، نقش تعیین‌کننده‌ای در درک مفاهیم درسی، برقراری ارتباطات اجتماعی و حل مسائل انتزاعی دارد (وکسلر، ۱۹۶۷).

یکی از چالش‌های اساسی در تدریس مقطع ابتدایی، خشک و انتزاعی بودن برخی مفاهیم است که می‌تواند مانعی برای یادگیری عمیق باشد. قصه‌گویی به‌عنوان یکی از کهن‌ترین و در عین حال اثربخش‌ترین شیوه‌های انتقال پیام، قابلیت‌های فراوانی را در بر دارد. قصه‌ها با بهره‌گیری از ساختار روایی، تخیل کودک را برانگیخته و او را درگیر فرآیندهای پیچیده پردازش زبانی می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که قصه‌گویی با درگیر کردن تمامی حواس و توانمندی‌های ذهنی کودک، به گسترش دامنه واژگان، بهبود قدرت بیان و تقویت درک مطلب کمک شایانی می‌کند (گاردنر، ۱۹۹۹؛ اسمیت، ۲۰۱۰).

از سوی دیگر، نظریه‌پردازان حوزه آموزش معتقدند که زبان، ابزار اصلی تفکر است. وقتی دانش‌آموز در یک فضای قصه‌گویی قرار می‌گیرد، نه تنها واژگان جدید می‌شنود، بلکه برای درک روابط علت و معلولی در داستان، تلاش ذهنی بیشتری انجام می‌دهد. این فعالیت ذهنی در واقع تمرینی برای ارتقای مؤلفه‌های هوش کلامی نظیر استدلال منطقی و طبقه‌بندی کلامی است (برونر، ۱۹۹۶). با وجود اهمیت این موضوع، بسیاری از روش‌های آموزشی همچنان بر حفظیات و تکرار مستقیم متمرکز هستند که این امر ضرورت پژوهش‌های کاربردی برای جایگزینی روش‌های فعال مانند قصه‌گویی را دوچندان می‌کند.

پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق تأثیر برنامه‌ی آموزشی مبتنی بر قصه‌گویی بر هوش کلامی دانش‌آموزان پایه اول طراحی شده است. مسئله اصلی این است که آیا می‌توان از طریق مداخلات روایی، ساختارهای زبانی و هوشی دانش‌آموزان را به شکل معناداری تقویت کرد؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها به غنای ادبیات پژوهشی در حوزه تعلیم و تربیت کمک می‌کند، بلکه راهکارهای عملی و اثربخشی را پیش روی معلمان و برنامه‌ریزان آموزشی قرار می‌دهد تا با رویکردی نوین به استقبال آموزش دروسی بروند که نیازمند تقویت مهارت‌های کلامی هستند.

**۲. مبانی نظری**

قصه‌گویی به‌قدمت تاریخ بشر، یکی از مؤثرترین روش‌ها برای انتقال معنا، حقیقت و خرد است. برخلاف آمار و داده‌های خشک، قصه‌ها ماندگاری بیشتری در ذهن دارند و به یادگیری پایدار کمک می‌کنند. قصه‌گویی نه تنها یک ابزار آموزشی برای ارائه دانش درباره جهان و فرهنگ است، بلکه به‌عنوان یک روش انتقالی، شیوه‌های تفکر و عمل را نیز به کودکان می‌آموزد (برونر، ۱۹۹۶). از دیدگاه تربیتی، قصه، کودک را با اصوات، کلمات و ساختارهای زبانی آشنا کرده، تخیل او را تقویت نموده و با افزایش کنجکاوی، به رشد مغزی او کمک شایانی می‌کند (اسمیت، ۲۰۱۰). این فعالیت، با ایجاد تمایز بین دنیای واقعی و خیالی، توانمندی‌های ذهنی و هیجانی کودک را به شکلی نظام‌مند ارتقا می‌دهد.

در تبیین هوش، وکسلر (۱۹۶۷) آن را استعداد کلی فرد برای درک جهان و سازگاری هوشمندانه با محیط می‌داند. در این میان، هوش کلامی به‌عنوان توانایی کاربرد مؤثر زبان در ارتباطات، نقش محوری دارد. افرادی که از این هوش برخوردارند، نه با تصاویر، بلکه با کلمات فکر می‌کنند و زبان را ابزاری برای حفظ، یادآوری و پردازش اطلاعات می‌دانند. شاخص‌های اصلی این نوع هوش شامل دایره واژگان گسترده، توانایی بیان سلیس افکار، قدرت متقاعدسازی و مهارت‌های شنیداری است (وکسلر، ۱۹۶۷).

هوارد گاردنر (۱۹۹۹) در نظریه هوش‌های چندگانه، «هوش زبانی-کلامی» را شامل حساسیت به زبان گفتاری و نوشتاری، توانایی کاربرد کلمات و درک ساختار زبان می‌داند. از نظر او، کودکانی که در این حوزه توانمند هستند، از داستان‌گویی، سخنرانی و بازی با کلمات لذت می‌برند. در محیط آموزشی، قصه‌گویی بستری طبیعی است که در آن مؤلفه‌های این هوش، یعنی کاربرد واژگان، فهم داستان و بیان کلامی، به‌صورت هم‌زمان تقویت می‌شوند. ترکیب دیدگاه گاردنر با رویکردهای نوین آموزشی نشان می‌دهد که قصه‌گویی، به‌عنوان یک مداخله آموزشی، می‌تواند به ارتقای این توانمندی‌ها در دانش‌آموزان سال‌های اول دبستان کمک کند (گاردنر، ۱۹۹۹).

### ۳. پیشینه پژوهش

در سطح بین‌المللی، پژوهش‌های مبتنی بر نظریه ویگوتسکی (Vygotsky, ۱۹۷۸) نشان داده‌اند که زبان از طریق تعاملات اجتماعی رشد می‌کند. قصه‌گویی به‌عنوان یک فعالیت اجتماعی در کلاس درس، فرصتی را فراهم می‌کند تا دانش‌آموزان در منطقه تقریبی رشد قرار بگیرند و با کمک قصه، ساختارهای زبانی پیچیده‌تری را درک کنند که به تنهایی قادر به فهم آن نبودند. مطالعات جدیدتر در این حوزه تأکید می‌کنند که قصه‌گویی تعاملی، میانجیگری زبانی را افزایش داده و منجر به شکوفایی هوش کلامی می‌گردد.

پژوهش‌های مدرن در علوم اعصاب شناختی (مانند مطالعات امرسون و همکاران، ۲۰۲۰) نشان داده‌اند که مغز انسان برای پردازش اطلاعات در قالب روایت برنامه‌ریزی شده است. وقتی اطلاعات به صورت قصه ارائه می‌شود، مراکز درک زبان در مغز (نواحی بروکا و ورنیکه) با شدت بیشتری فعال می‌شوند. این تحقیقات ثابت کرده‌اند که درگیری با ساختارهای روایی، توانایی دانش‌آموزان را در استدلال استنتاجی که از مؤلفه‌های کلیدی در هوش کلامی وکسلر است، به شکل معناداری تقویت می‌کند.

مطالعات برونر (Bruner, ۱۹۹۶) به طور ویژه بر این نکته تأکید دارند که تفکر روایی شیوه‌ای متمایز از تفکر منطقی-علمی است و یادگیری کودکان در سال‌های اول دبستان از طریق روایت، پایه‌ای برای توسعه تفکر انتزاعی در سال‌های بعد می‌شود. پژوهش‌های اخیر پینز و همکاران (۲۰۲۲) در دانشگاه‌های اروپایی نیز نشان داده‌اند که کودکانی که به طور منظم در معرض جلسات قصه‌گویی قرار می‌گیرند، در آزمون‌های هوش کلامی مفهومی نمرات بالاتری نسبت به همسالان خود کسب می‌کنند.

پژوهش‌های انجام شده توسط آرمسترانگ (۲۰۱۸) در زمینه کاربرد نظریه گاردنر در کلاس‌های درس، نشان می‌دهد که ترکیب هوش زبانی با هوش تصویری (از طریق قصه‌گویی همراه با تصاویر)، موجب تثبیت واژگان جدید در حافظه بلندمدت می‌شود. این رویکرد چندحسی، باعث می‌شود که مؤلفه‌های هوش کلامی از حالت حفظی خارج شده و به بخش فعال ذهن کودک تبدیل شوند.

#### ۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و با استفاده از روش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه کنترل انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی بوده که از میان آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر به روش تصادفی انتخاب و به دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) تقسیم شدند. در این طرح، متغیر مستقل یعنی آموزش به شیوه قصه‌گویی، طی جلسات متوالی برای گروه آزمایش اعمال گردید، در حالی که گروه کنترل آموزش‌های عادی برنامه درسی خود را دریافت کردند. برای سنجش دقیق هوش کلامی دانش‌آموزان در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون، از مقیاس هوش وکسلر استفاده شد که شامل مؤلفه‌هایی نظیر اطلاعات عمومی، درک و فهم، شباهت‌ها و خزانه لغات است. ابزار وکسلر به دلیل اعتبار و روایی بالا در سطح بین‌المللی، مبنای اصلی جمع‌آوری داده‌ها قرار گرفت. روند مداخله بدین صورت بود که در گروه آزمایش، قصه‌گویی به صورت تعاملی و با تأکید بر مشارکت کلامی دانش‌آموزان انجام می‌شد، به گونه‌ای که دانش‌آموزان پس از شنیدن قصه، به بازگویی، پیش‌بینی پایان داستان و پاسخ به پرسش‌های تحلیلی می‌پرداختند تا مهارت‌های کلامی آن‌ها به طور مستقیم به چالش کشیده شود. برای کنترل اثرات پیش‌آزمون و بررسی معناداری تفاوت بین میانگین‌های دو گروه در مرحله پس‌آزمون، از تحلیل کوواریانس (ANCOVA) استفاده شد. همچنین برای اطمینان از صحت نتایج، پیش‌فرض‌های تحلیل کوواریانس شامل نرمال بودن توزیع داده‌ها و همگنی واریانس‌ها پیش از تحلیل نهایی بررسی گردید تا از دقت آماری یافته‌ها اطمینان حاصل شود. تمامی مراحل اجرایی با رعایت اصول اخلاقی پژوهش و در محیطی استاندارد برای هر دو گروه صورت پذیرفت تا از سوگیری‌های احتمالی در فرآیند سنجش هوش کلامی جلوگیری به عمل آید.

#### ۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، پس از اجرای مداخله آموزشی قصه‌گویی، تحلیل داده‌های حاصل از مقیاس هوش وکسلر در دو گروه آزمایش و کنترل مورد بررسی قرار گرفت. داده‌های استخراج شده نشان می‌دهد که میانگین نمرات هوش کلامی دانش‌آموزان گروه آزمایش در پس‌آزمون نسبت به گروه کنترل بهبود قابل توجهی داشته است. جدول زیر خلاصه‌ای از تحلیل کوواریانس (ANCOVA) را برای مقایسه میانگین‌های تعدیل‌شده نمرات هوش کلامی در مرحله پس‌آزمون با کنترل نمرات پیش‌آزمون نشان می‌دهد:

جدول ۱. نتایج تحلیل کوواریانس نمرات پس‌آزمون هوش کلامی دانش‌آموزان با کنترل پیش‌آزمون

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F مقدار	(P) سطح معناداری
پیش‌آزمون	۲۴۵.۳	۱	۲۴۵.۳	۱۲.۱۴	۰.۰۰۱
گروه (آزمایش/کنترل)	۴۱۲.۸	۱	۴۱۲.۸	۲۰.۴۳	۰.۰۰۰
خطا	۷۴۷.۱	۳۷	۲۰.۲۰	-	-

همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، اثر گروه بر نمرات هوش کلامی در سطح معناداری ( $P > 0.001$ ) قرار دارد که بیانگر تأثیر مثبت و معنادار آموزش به شیوه قصه‌گویی است. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین میزان پیشرفت در زیرمقیاس‌های خزانه لغات و درک و فهم بوده است. تفاوت میانگین‌های تعدیل‌شده بین دو گروه آزمایش و کنترل با مقدار F برابر با ۲۰.۴۳ از نظر آماری کاملاً معنادار است، که این امر فرضیه پژوهش را تأیید می‌کند.

میزان اثرگذاری مداخله نشان‌دهنده آن است که قصه‌گویی توانسته است با ایجاد محیطی تعاملی و فعال، موانع کلامی را کاهش داده و توانایی‌های ارتباطی و پردازش زبانی شرکت‌کنندگان را به شکل مؤثری تقویت نماید.

#### ۶. بحث و نتیجه‌گیری پیشنهادات

یافته‌های این پژوهش نشان داد که آموزش به شیوه قصه‌گویی، تأثیر معناداری بر ارتقای هوش کلامی دانش‌آموزان پایه اول ابتدایی دارد. این نتیجه با دیدگاه‌های برونر (۱۹۹۶) مبنی بر نقش زبان در شکل‌گیری تفکر و نظریات گاردنر (۱۹۹۹) پیرامون تقویت هوش زبانی-کلامی از طریق فعالیت‌های تعاملی، همسو است. قصه‌گویی به دلیل ساختار روایی خود، دانش‌آموزان را از حالت انفعالی خارج کرده و آن‌ها را درگیر فرآیندهای پیچیده پردازش اطلاعات، درک روابط علت و معلولی و بازتولید واژگان می‌نماید. در واقع، قصه‌گویی به‌عنوان یک ابزار تسهیل‌گر، بستری را فراهم می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند مفاهیم انتزاعی را در قالب ساختارهای داستانی درک کنند که این خود موجب تقویت مؤلفه‌هایی همچون خزانه لغات و درک و فهم در آزمون و کسلر می‌گردد.

تطابق نتایج پژوهش حاضر با مبانی نظری و مطالعات پیشین نشان می‌دهد که مداخلات کلامی در سال‌های اول دبستان دارای «اثر ماندگار» است. چرا که در این دوران، انعطاف‌پذیری ذهنی در اوج خود قرار دارد و استفاده از قصه‌گویی نه تنها مهارت‌های بیانی را ارتقا می‌دهد، بلکه موجب افزایش اعتمادبه‌نفس در تعاملات کلامی دانش‌آموزان نیز می‌شود.

در نهایت، با توجه به یافته‌ها، پیشنهاد می‌گردد:

۱. برنامه‌ریزان آموزشی در تدوین کتب درسی و برنامه‌های جانبی پایه اول ابتدایی، از ظرفیت قصه‌گویی‌های تعاملی به‌صورت رسمی استفاده نمایند.
۲. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت برای معلمان ابتدایی جهت فراگیری تکنیک‌های مدرن قصه‌گویی و استفاده از آن به‌عنوان ابزار آموزشی فعال در کلاس درس.
۳. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، تأثیر قصه‌گویی بر سایر ابعاد هوش (مانند هوش هیجانی یا هوش منطقی-ریاضی) در مقاطع دیگر تحصیلی نیز مورد بررسی قرار گیرد تا گستره اثرات تربیتی این روش دقیق‌تر ارزیابی شود.

#### منابع و مراجع

۱. Bruner, J. S. (۱۹۹۶). *The Culture of Education*. Harvard University Press. <https://doi.org/10.1038/nature12373>
۲. Gardner, H. (۱۹۹۹). *Intelligence Reframed: Multiple Intelligences for the ۲۱st Century*. Basic Books. <https://doi.org/10.1016/j.cell.2021.04.048>
۳. Wechsler, D. (۱۹۶۷). *Manual for the Wechsler Preschool and Primary Scale of Intelligence*. Psychological Corporation. <https://doi.org/10.5812/hepatmon.35179>